

#### هادیانه

#### فضیلت آموزگار

■ امام باقر (ع) می فرماید: اِن الَّذِي يَعْلَمُ الْعِلْمَ مِنْكُمْ لَهٗ اَجْرٌ مِثْلُ اَجْرِ الْمُتَعَلِّمِ وَلَهٗ الْفَضْلُ عَلَيْهِ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ مِنْ حَمَلَةِ الْعِلْمِ وَ عَلِّمُوهُ اِذَا خَلَكْتُمْ كَمَا عَلَّمَكُمُوهُ الْعُلَمَاءُ هَمَانَا اَنْ كَسَى اَنْ شَمَا كَه دَانش را اَمُوزش دَهْد، پاداشی بر ابر دانش آموز دارد و البته آموزگار بر دانش آموز فضیلت و بر تری دارد. پس دانش را از حاملان آن فراگیرید و آن سان که عالمان به شما آموخته‌اند، آن را به برادران تان بیاموزید. (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵)

**دکتر اسدالله افشار، نویسنده و پژوهشگر علوم تربیتی:**

# معلم توانا صمیمیت و اقتدار را باهم حفظ می کند



دکتر اسدالله افشار، نویسنده و پژوهشگر علوم تربیتی و خانواده در گفت‌وگویی مشروح با «جوان» ابعاد مختلف تربیتی و آموزشی را به مناسبت روز معلم مورد بررسی قرار داده است. وی با اشاره به کمر نگ‌شدن نقش تربیتی معلمان پرورشی معتقد است تربیت به عهده تمام ارکان مدرسه و معلم پرورشی یکی از این اضلاع است که لازم است دوباره همانند گذشته این اثرگذاری پر رنگ شود. بخش دیگری از گفت‌وگوی ما با افشار نیز به موضوع ارتباط صمیمانه معلم و دانش آموزان برمی گردد.

نیره ساری

به نظر شما علت کمرنگ‌شدن رابطه والدین و معلمان چیست و این موضوع چه نتایجی به دنبال دارد؟

یکی از دلایل کمرنگ‌شدن رابطه والدین و معلمان برخی گسست‌های اجتماعی است که رخ داده و البته عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر یک به فراخور خود در این امر تأثیر داشته و دارد. از سویی ایجاد هر نوع ارتباطی به درک ضرورت آن ارتباط برمی‌گردد و متأسفانه عوامل فرهنگ‌ساز، در جنبه‌های مختلف فرهنگ‌سازی کوتاهی کرده‌اند و یکی از این کوتاهی‌ها خود را در پیوند خانه و مدرسه نشان می‌دهد. از طرف دیگر شاید نداشتن زبان مشترک بین معلمان یا مدرسه با زبان دانش آموزان و والدین آنها در دو دهه اخیر و عدم توانمندی لازم در ایجاد این زبان مشترک در بین دو طرف معادله یکی دیگر از عوامل دخیل در این زمینه باشد، البته نکته دیگری هم که می‌تواند در این خصوص مهم باشد، موضوع منفی مدیران به مشارکت اولیایست که این نگاه غیر کارشناسانه موجب فاصله گرفتن آنها از مدرسه می‌شود و عملاً حل مسائل و مشکلات آموزشی و پرورشی مدرسه به آسانی صورت نمی‌گیرد. برخی از موانعی که از نسوی مدرسه بر سر راه مشارکت اولیا در امور ایجاد می‌شود، نگاه سنتی مدیر به اداره مدرسه، آشنانسیون مربیان به مزایای مشارکت اولیا، احساس ناتوانی در هدایت اولیا به سمت فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، نگاه منفی مدیر به حضور اولیا در مدرسه، ترس از کم‌شدن قدرت مدیر یا به عبارتی قدرت‌طلبی مدیر، نگاه سنتی به انجمن اولیا و مربیان مدرسه و عدم‌انگیزه مدیر در جلب مشارکت اولیاست. گاهی هم این کمرنگ‌شدن تنها از ناحیه مدرسه و مسئولان مدرسه نیست بلکه به خانه بازمی‌گردد که مصداق آن عدم‌مشارکت اولیا در امور مدرسه است. این موضوع نیز به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها عوامل فرهنگی و اجتماعی و عدم‌آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش است. بسیاری از اولیا معتقدند مسئولان مدرسه ارزشی برای عقاید و نظریات آموزشی و پرورشی آنها قائل نیستند. بسیاری از اولیا نیز تعلیم و تربیت را وظیفه دولت می‌دانند و هر گونه مسئولیتی را در این زمینه از خود سلب می‌کنند. بسیاری تجربه به‌دیفاتند مسئولان مدرسه از طریق انجمن اولیا و مربیان مدرسه تنها نگاه اقتصادی به آنها دارند و در دیگر امور هیچ حقی برای‌شان قائل نیستند. عواملی از این نوع و عدم‌آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش و فرزند خود موجب شده است ارتباط اولیا و مربیان یا خانه و مدرسه از انسجام لازم برخوردار نباشد و کمرنگ‌شود که نتیجه‌آن، عدم‌موفقیت لازم در تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان بوده است.

**چرا از نگاه مدیر و والدین و حتی نظام آموزشی جایگاه معلمان به لحاظ اعتبار متفاوت است و معمولاً معلم ریاضی، فیزیک و شیمی را جدی**

**مریم‌السادات پرنجی، معلم و مدیر پیشکسوت آموزش و پرورش:**

## نگاه صرف شغلی و درآمدزایی به معلمی آسیب‌زاست

دانش‌ت چ‌راکه این شغل با این گزیننه‌ها سازگار نیست و اوقت آن است. بزرگ‌ترین ویژگی و هدف معلم باید تربیت واقعی انسان‌ها باشد و بتواند شاگرد دانش را به اولی‌چه که همان کمال واقعی است، رشد دهد و هدایت کند.

**این تعریف زیبایی است، اما امروزه بعضی معلمان را در این جایگاه نمی‌بینیم. به نظر شما علت چیست؟**

شایدبعضی فکر کنندتغییرات جامعه و شرایط اقتصادی نگاه معلمان را تغییر داده است، ولی معلم اگر به فکر درآمدزایی و شغل پردرآمدی بود، نباید معلمی را انتخاب می‌کرد. از طرفی تغییر اولویت‌ها و اهداف، جایگاه معلمی را خندشمار کرده است، بنابراین بایداهداف، زیرساخت‌ها و مسئولان نگاهشان را تغییر دهند چراکه به خاطر تغییر هدف‌هاست که معلمان به سمت زندگی مصرفی رفته و با تدریس خصوصی بیشتر وقت‌شان را برکرده‌اند، و به همین خاطر نقش اصلی‌شان را فراموش کرده و فرصت کافی برای رسیدگی به اصل موضوع را که همان آموزش و پرورش است، ندارند.

**نظر شما درباره رابطه معلمان والدین چیست؟ چرا این روابط تقویت نمی‌شود؟**

در پاسخ به این سؤال هم باید به تغییر اولویت‌های خانواده اشاره کرد. تغییر نگرش اجتماعی و رواج بی حد و مرز فضاهای مجازی در روابط خانوادگی به گونه‌ای است که جای خانواده و معلمان را گرفته و دیگر نیازی به ارتباط مدرسه و خانواده حسن نمی‌شود. متأسفانه دانش آموزان از سوی اولیا و معلمان تربیت نمی‌شوند، در نتیجه والدین

طلایی ترین روز های زندگی هر کدام از ما، گذران ۱۲سال از بهترین سال های عمرمان در مکانی به نام مدرسه بوده

است، به همین دلیل حال امروزمان، ما حاصل گذران همان روزهاست که اگر خوب است، مدیون کسانی هستیم که دلسوزی کرده و دست گیرمان بوده‌اند و اگر بد است، آنهایی مقصرند که سهمی در این حال بد دارند. مریم‌السادات پرنجی یکی از مدیران بازنشسته آموزش و پرورش است. او ۳۴سال از سال‌های عمرش را در آموزش و پرورش گذرانده و در این سال‌ها مدیر چند دبیرستان نمونه مردی شهر تهران بوده است. عشق به آموزش و پرورش فرزندان این سرزمین باعث شد او کنار نکشد و حالا مدرس دروسی مانند فلسفه، عربی و معارف است و در آسایشگاه معلولان کهریزکینژاد عربی، جامعه‌شناسی، منطق و فلسفه تدریس می‌کند. از جمله فرهنگ‌یانی است که معتقد است آموزگار باید شاگرد دانش را قبل از تدریس با درس زندگی آشنا کند؛ خصوصیتی که در طول مصاحبه با این مدیر با تاجر به آشکار بود.

**معلم واقعی باید داری چه ویژگی‌هایی باشد؟ معلم به معنای واقعی باید عاشق باشد تا سال‌ها بتواند کارش را در دستوری انجام دهد و به واقع معلمی به معلمی نباید صرفاً نگاه شغلی و درآمدزایی**



#### پرونده گروه‌سیک‌زندگی

بررسی جلال‌کفعملی

مدیرمسئول: محمد جواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
دبیر ویژه‌نامه: حسین گل محمدی
همکاران تحریریه: نیره ساری، نیره محمودی
محبوبه قربانی
چاپ: همشهری

اساس آن تعیین کنند، اما بسیاری از معلمان از ترس از دست دادن اقتدار خود در کلاس رفتارهای خشک و سردی با دانش آموزان دارند و دانش آموزان را از معلم و درس‌گریزان می‌کنند. از سوی دیگر برخی معلمان نیز برای حفظ صمیمیت، اقتدار خود را از دست داده‌اند و کلاس‌های آنها بازدهی آموزشی مناسبی ندارد.

**از استانداردهای حرفه معلمی بگویند. شیوه‌های خلاقانه معلم در کلاس تا چه حد در جذب و یادگیری دانش آموزان تأثیر دارد؟**

صاحبنظران بر این باورند استانداردهای حرفه معلمی مهارت‌هایی است که از آن به دانش‌محتوایی، روش‌های معلمی، دانشش و مهارت‌های روش تدریس حرفه‌ای، منش‌ها و توانایی انجام فعالیت‌های حرفه‌ای که با هدف ایجاد تحول در فرایند یاددهی- یادگیری دانش آموزان از طریق ایجاد آمادگی در معلمان، طراحی و در کلاس درس اجرا می‌شود، یاد شده است. از نگاه این دسته از صاحبنظران، هنگامی که معلمان در این مهارت‌ها تخصص و توانایی کافی و لازم را داشته باشند، می‌توانند از دانشش، مهارت‌ها و تخصص خود در فرایند آموزش استفاده و به این ترتیب زمینه مساعدی را برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان فراهم کنند. این مجموعه در قالب استانداردهای حرفه معلمی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری دارد. قطعاً شیوه‌های خلاقانه معلم در کلاس، در جذب و یادگیری دانش آموزان

آموزش دو بعد اخلاقی و علمی دارد، در انتقال هر دو، رابطه صمیمانه معلم و دانش آموز میزان موفقیت را افزایش می‌دهد، ولی حدود صمیمیت را فرهنگ عرفی از سویی و روان‌شناسی آموزشی معین ساخته است. باید دانست همان‌طور که مثلاً پدر و فرزند باید دوست باشند و یادآور ارزش‌ها از این طریق خیلی بهتر و سریع‌تر صورت می‌گیرد، ولی این دوستی با دوستی دو فرزند هم‌سن است و هم کلاس تفاوت دارد. برخی کارشناسان به درستی یادآور شده‌اند، اگر رابطه بین معلم و همه ارکان باشد، باشد، بازدهی بسیاری بالاتری به همراه خواهد داشت، اما این رابطه صمیمانه باید حد و مرز داشته باشد. بسیار مهم است که معلم بتواند در عین صمیمیت با دانش آموز اقتدار خود را حفظ کند و دانش آموز اجازه نداشته باشد در کلاس مشغول شود. اگر معلم نتواند اینگونه رابطه صمیمانه را برقرار کند، کلاس او بازدهی آموزشی بسیار بالایی خواهد داشت. صمیمیت بین معلم و دانش آموزان آنقدر مهم است که ابعاد مختلف زندگی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما در عین حال معلم باید اقتدار خود را حفظ کند، زیرا برخی از شاگردان از صمیمیت زیاد سوءاستفاده می‌کنند. مطلب دیگر اینکه در برخی مواقع معلمان نیز آذیت می‌شوند و اگر بخواهند خیلی صمیمی باشند، نمی‌توانند کار حرفه‌ای خود را پیش ببرند. باید به دانش آموزان، آموزش داده شود که مرزها را رعایت کنند و این موضوع تناقضی با صمیمیت بین معلم و دانش آموز ندارد. این رابطه در اختیار معلم است و آموزش و پرورش نباید در این حیثه وارد شود و به حالت دستوری در این موارد دخالت کند. مهم‌ترین نکته در ارتباط صحیح بین معلم و شاگرد این است که آشنیتابه دانش آموز را بزرگ نسازند و به نظریات و سخنان دانش آموزان توجه مبدول کنند و به نظرات آنان بها دهند. به نظر برخی دیگر از کارشناسان، مرز پارک و مشخصی وجود دارد که معلمان باید آن مرز را بیابند و رابطه خود را بسا دانش آموزان بر

مدرسه است، یعنی، چه مدیر، چه معلم، چه دبیرهای تخصصی، چه دبیرهای پرورشی و حتی اولیای گرانقدر و وظیفه تربیت دانش آموزان. همچنان‌که در قبال آموزش و تعلیم وظیفه دارند، در قبال تربیت هم وظیفه دارند. با این اعتقاد تمام تلاش‌مان باید بر این باشد که این حلقه مفقودی که در گذشته وجود داشته است و کار تربیت را مختص مربیان پرورشی می‌دانستند و حتی در فرصت‌های تربیتی فوق برنامه هم در حوزه معاونت پرورشی اکتفا به این امر شده بود، ترمیم و اصلاح کنیم و همه ارکان گفته‌شده سهم تلاش و همکاری خود را در این زمینه باید ادا و ایفا کنند تا جایگاه معلمان پرورشی تصفیه و کمرنگ نشود،البته این همه آنچه گفتیم نیست چراکه نسل جدید و حتی قدیم ما در برزخ فرهنگ سنتی از یک سو و فرهنگ جدید غربی قرار گرفته است و نگاهی منحصرانه به هر دو سو دارد، بنابراین گروهی گرایش بیشتری به سنت و گروهی گرایش بیشتری به فرهنگ غربی و برخی آمیزه‌ای از آن دو را به عنوان روش فکری و عملی بر خود می‌کردیم و والدین‌مان توان پردازش و حل مشکلات ما را نداشتند، گروه‌های مر جع مثبت همچون افراد متدین و به خصوص روحانیون یا در مدرسه معلمان دینی و تربیتی ملجأ و مرجع ما قرار می‌گرفتند، ولی ظاهراً همه فرهنگ‌های استفاده از نقاط ضعف ما و با استفاده از ابزار فضای مجازی حتی اعتماد را در قشر مذهبی نسبت به این افراد کم کرده و این افراد حتی در مثبت‌ترین حالت، مورد بهر بدراسی بسیار کمی قرار گرفته و می‌گیرند. در هر حال باید مسیر جدیدی را باز و میدان بازی دیگری را طراحی کرد تا این قیصه مرتفع شود و معلمان پرورشی به جایگاه تاریخی بازگردند و از حاشیه به متن بیایند.

رابطه صمیمانه معلم با دانش آموز چه نتایجی می‌تواند در ابعاد مختلف آموزشی و تربیتی به دنبال داشته باشد، مرزین صمیمیت کجاست و چگونه باید پیش برود؟

را داشته باشند باید خدا را شکر کرد، چراکه دیگر برای آنها وقتی نمی‌ماند که بخواهند کار پرورشی انجام دهند و خلاقیتی داشته باشند. از نگاه دیگر، انگیزه و هدف مربیان پرورشی هم قابل توجه است. بعضی از آنها دنبال پست کاری هستند. در این صورت نمی‌توان مطالبی مانند نهج‌البلاغه و خطبه متقین را با عمق جان کار کرد و دانش آموز را زیر و رو کرد.

**توقع شما و همکاران تان از والدین و دیگر معلمان چیست؟**

فعالیت‌های پرورشی امروز در مدارس، تنها در دایره بخشنامه‌ها و کلیشه‌ها می‌چرخد. آنقدر آموزش و پرورش برای کارهای پرورشی بخشنامه ارائه داده است که اگر مربیان پرورشی وقت پاسخ به آنها را داشته باشند، باید خدا را شکر کرد، چراکه پرورشی انجام دهند و خلاقیتی داشته باشند



برای رشدن از آن است و سیاستگذاری‌هایی که این رویکرد را پیش آورده است، البته در این‌باره نقش خانواده‌ها هم مؤثر است. در خانواده‌ای که برای کلاس‌های درس اختصاصی میلیون‌ها تومان پرداخت می‌شود، معلوم است برای دانش آموز نه تنها دروس عمومی بی‌اهمیت می‌شود بلکه اولویت‌ها برای او فقط کنکور، مهندسی و دکتر شدن می‌شود و سراغ کلاس و اهداف انسان‌ساز دیگر هم نمی‌رود.

**فعالیت مربیان پرورشی را چگونه می‌بینید؟**

به واقع باید گفت دو موضوع بخشنامه‌های آموزش و پرورش و انگیزه و هدف مربیان، راندمان کار پرورشی را کم کرده است. فعالیت‌های پرورشی امروز در مدارس، تنها در دایره بخشنامه‌ها و کلیشه‌ها می‌چرخد.

**آنقدر آموزش و پرورش برای کارهای پرورشی بخشنامه ارائه داده است که اگر مربیان پرورشی وقت پاسخ به آنها**



فقط به فکر رشد فیزیکی فرزندان‌شان هستند و معلمان هم تنها به فکر تدریس و آموزش، آندیشه و تربیتی وجود ندارد که این رابطه شکل بگیرد، نتیجه هم آن می‌شود که در آینده ما تنها روبات‌هایی را که قدرت تفکر و آندیشیدن ندارند، به جامعه تزریق می‌کنیم.

فقط به فکر رشد فیزیکی فرزندان‌شان هستند و معلمان هم تنها به فکر تدریس و آموزش، آندیشه و تربیتی وجود ندارد که این رابطه شکل بگیرد، نتیجه هم آن می‌شود که در آینده ما تنها روبات‌هایی را که قدرت تفکر و آندیشیدن ندارند، به جامعه تزریق می‌کنیم.